

پاسخ‌های کارشناسی به پرسش‌های ریشه‌ای

نگاهی به کتاب ۸۰۰ پرسش و پاسخ تفسیری و ریشه‌شناسی لغات قرآن کریم



مؤلف: دکتر فائزه عظیم‌زاده اردبیلی
ناشر: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
چاپ اول: ۱۳۹۴، ۹۲۰ صفحه، قطع وزیری

محاسن

۱. پرسش‌ها و پاسخ‌ها و ریشه‌شناسی لغات به ترتیب سُور قرآنی تنظیم شده است که این امر کار را برای مراجعه‌کننده تسهیل می‌نماید.
۲. پاسخ‌ها مطوّل نیست تا موجب ملال مراجعه‌کننده شود.
۳. برخی از پاسخ‌ها در عین حال که کوتاه است، مناسب و کافی نیز به‌نظر می‌آید؛ مانند سؤال ۸۰ ص ۹۴، سؤال ۴۵۶ ص ۴۰۳ و سؤال ۴۶۱ ص ۴۰۶ و...
۴. در برخی از سؤالات، نظرات مختلف مفسرین به شکل جامعی جمع‌آوری و نتیجه‌گیری شده است. به‌عنوان نمونه سؤال ۹۳ ص ۱۰۷ و...
۵. پرسش‌ها و پاسخ‌ها برای دانشجویان علوم اسلامی و طلاب مستند و قابل استفاده می‌باشد.

۶. استفاده از تفاسیری همچون منهج‌الصادقین (ملافتح الله کاشانی) و تفسیر ابوالفتح رازی که جوانان امروزی کمتر آشنایی به آن دارند.
۷. ذکر ریشه‌ی اصلی لغات قرآنی که می‌تواند کمکی برای ترجمه و تحقیق باشد.

معایب

۱. فهرستی براساس نوع سؤالات آورده نشده است. لازمه استفاده از این کتاب آن است که مراجعه‌کننده حتماً باید بداند که سؤال او در چه سوره یا آیه‌ای مطرح شده است تا بتواند به آن رجوع کند و پاسخ خود را دریافت نماید. در ثانی مطرح کردن نوع پرسش‌ها چه بسا زمینه ایجاد انگیزه برای مخاطب جوان را فراهم نماید.

۲. نویسنده محترم در مقدمه کتاب خود ادعا کرده که به سؤالات رایج و مورد نیاز جامعه پرداخته است ولی متأسفانه این امر در موارد متعددی وقوع نیافته است. مثلاً در سوره نساء سؤالات همیشگی جوانان که چرا مردان بر زنان قوام دارند یا چرا خداوند اجازه ضرب زنان را داده است، پاسخ داده نشده است؛ یا در سوره مائده آیه ۳ احکام فقهی مطالب مطرح شده ولی سخنی از بحث ولایت نیامده است و یا برعکس، احکام فقهی صیدکردن در حال احرام، که به نظر می‌رسد مورد نیاز جوانان امروزی نیست، مطرح شده است. ص ۶۶

۳. رویکرد اصلی و کلی کتاب نقلی و فقهی است و این امر برای جوان امروزی که به دنبال برهان و اقناع عقلی است، پاسخ‌گو نمی‌باشد؛ این امر تقریباً در کل کتاب جاری و ساری است؛ مانند سؤالات ۴۵ ص ۶۴، ۵۶ ص ۶۶، ۲۳ ص ۳۹. به عنوان نمونه در همین مورد اخیر (سؤال ۲۳) به این امر اشاره شده است که جهان، جهان اسباب است؛ ولی چگونگی این امر با تولد حضرت عیسی (ع) که بدون پدر متولد شده توضیحی داده نشده است که آیا این امر نقض اصل علت و معلول در جهان خلقت محسوب نمی‌شود؟

۴. برخی سؤالات اصلاً پاسخی داده نشده است بلکه همان ترجمه آیات بیان می‌گردد. به عنوان نمونه در بحث شفاعت سؤال ۹ ص ۲۶.

۵. آوردن اسامی متفاوت در پاسخ سؤال با توجه به آنکه مخاطب جوان است، خسته کننده و ملال آور است مگر آنکه مخاطب فقط جوان علوم اسلامی یا طلاب باشد. مانند کلمات قتاده، سعید بن جبیر، ضحاک، سدی، عکرمه، ابن سیرین و...

۶. برخی پاسخ‌ها نمایان گر پیشرو بودن قرآن نیست بلکه با زمان جاهلیت مقایسه و مطرح و بررسی می‌گردد ولی شبهه امروزی را پاسخ نمی‌دهند و حال آنکه قطعاً تمام راهکارهای قرآن برای همیشه راهبردی و پیشرو است. به عنوان نمونه درباره قانون قصاص سؤال ۴۸ ص ۵۸ و یا دیه ...

۷. در برخی از پاسخ‌ها به داستان‌های قرآنی به صورت جامع و کوتاه اشاره نشده است که مراجعه کننده بتواند اطلاعات کافی را در یک آیه به طور کامل به دست آورد. مثلاً سؤال ۴ ص ۵۱

۸. در برخی از پاسخ‌ها از اصطلاحاتی استفاده شده است که برای جوانان غیرمتخصص که آشنا با ادبیات عرب نیستند، قابل استفاده نیست. مثلاً کلمات مقتص به و مقتص له، در سؤال ۴۸ ص ۵۸.

۹. به نظر می‌رسد قسمت ریشه‌شناسی لغات قرآن - با توجه به ترجمه قرآن آقای ابوالفضل بهرام‌پور که در هر صفحه لغات

مورد نیاز ترجمه و در صورت لزوم ریشه آن نیز بیان شده است - جوان را از رجوع به این قسمت کتاب بی‌نیاز می‌کند.

۱۰. نویسنده در مقدمه کتاب خود، مرقوم نموده که از فرهنگ‌های اصیل مفردات قرآنی استفاده کرده است ولی متأسفانه نامی از این فرهنگ‌ها هیچ جای کتاب ذکر نشده است تا پژوهنده با منابع مورد ادعا آشنا شود.

۱۱. به نظر می‌رسد نویسنده در انتخاب و ترجمه لغات، یک رویه واحد و مشخص در سوره‌ها را پیش نگرفته است و از طرف دیگر شتاب‌زدگی و اشکالات چاپی نیز، این قسمت کتاب را با اشکالات متفاوتی روبه‌رو کرده است از جمله:

الف. سعی شده است ریشه اصلی لغات بیان شود ولی از معنای اصلی لغات غفلت شده است؛ حتی در برخی از موارد یک کلمه با یک ریشه و یک باب در یک سوره دوگونه معنی شده است. مثلاً کلمه ۴۴۴۸ (لیستنزونک) به معنی «همانا خواستند تا تو را بلغزانند» و در شماره ۴۴۷۴ (ان یستفهم) به معنی «که آن‌ها را برکنند» معنی شده است. این امر باعث می‌شود تا خواننده معنی اصلی کلمه را در نیابد. یا مثلاً شماره ۲۵۷۰ (تاویلهم) ب. متأسفانه در برخی موارد به مفرد و جمع و مثنی بودن لغات در معنا توجه نشده است. مثلاً کلمه ۴۴۹۲ (اوی) که مفرد است و جمع معنی شده است (رفتند) هر چند که چون فاعل جمع است در آیه این کلمه به صورت جمع معنی می‌گردد. ج. ریشه لغات در بعضی از موارد اشتباه است، از جمله کلمه صوّاف، شماره ۵۱۳۳، که ریشه اصلی آن (ص ف ف) است نه (ص و ف). این کلمه جمع مکسر (صافه) به معنای «در حالی که به پا ایستاده‌اید»، می‌باشد (مفردات راغب اصفهانی ماده (س ف ف).

د. در برخی از سوره‌ها تمام کلمات سخت و آسان ترجمه شده و در برخی دیگر فقط برخی از کلمات معنی شده است مانند سوره‌های تغابن و تحریم.

هـ. بعضاً کلماتی از قرآن برای ترجمه انتخاب شده است که بدین شکل اصلاً در قرآن به کار نرفته است مثلاً کلمه ۸۰۳۰ الاسکان (آرمیدن) که در قرآن «اسکنوا» (سکونت دهید) به کار رفته است و یا کلمه ۸۰۳۴ الارضاع (شیردادن) که در قرآن به صورت «فسترضع» (شیر خواهد داد) به کار رفته است.

و. اشکالات چاپی؛ مثلاً شماره ۸۲۰۷ کالعهن (چون پشم) «چشم» معنی شده است و یا شماره ۸۱۹۵ تا ۸۱۹۸ کلماتی از سوره حاقه آورده شده ولی نه ریشه آن ذکر شده و نه معنای آن بیان گردیده است؛ یا در ص ۲۸۵۳، بار نام سور منافقون و طلاق به کار رفته است و یا صوّاف، صفازدگان ترجمه شده است و...